

توفان

الکترونیکی

آذر ماه 1386 دسامبر 2007 شماره 16

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

toufan@toufan.org

www.toufan.org

مصاحبه هفته نامه شهروند با حزب کار ایران (توفان) پیرامون اوضاع ایران



درص 2 و 3 و 4 و 5

در این شماره می خوانید:

- اهمیت خاورمیانه و تجاوز احتمالی به ایران ص 6
- تامین امنیت سرمایه و کارگر ستیزی ص 8
- گزارشی از اعتصابات فرانسه ص 8
- پیام همبستگی سندیکای شرکت واحد به اعتصاب کنندگان در فرانسه ص 10
- گزارشی از یاد بود نهمین سالگرد قتل محمد جعفر پوینده و محمد مختاری و پیام کانون نویسندگان ایران به همین مناسبت ص 12 و 13
- شانزده آذر روزنبرد متحد دانشجویان علیه استبداد و امپریالیسم گرامی باد! ص 14
- تاکتیک درست مبارزه و هواداران شرمگین تجاوز آمریکا به ایران ص 11
- گزارش کوتاهی از جشن نودمین سالگرد انقلاب اکتبر ص 5

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

مصاحبه هفته نامه شهروند با حزب کار ایران (توفان)

لطفا نام خود و عنوان سازمانی تان را بنویسید و مختصری از بیوگرافی تان را شرح دهید.

نام: حزب کار ایران (توفان)

تاریخچه مختصر:

حزب کار ایران (توفان) ادامه دهنده حزب کمونیست ایران، حزب توده ایران تا زمانیکه خط مشی رویزیونیستی خروشچف را نپذیرفته بود می باشد. پس از غلبه رویزیونیسم بر حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و سقوط حزب توده ایران به منجلااب رویزیونیسم، کمونیستهای ایران سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان را در چهل سال پیش به منزله ادامه دهندگان راه حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران بنیان گذارند. باین مفهوم بنیانگذاران حزب کار ایران (توفان) رفقا احمد قاسمی عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، مسئول ماهنامه مردم و دکتر غلامحسین فروتن عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران مسئول مجله تئوریک دنیا می باشند. در کنار این رفقا، رفیق عباس سغائی عضو رهبری سازمان افسری حزب توده ایران به مخالفت با رویزیونیسم خروشچف پرداخت و حاضر به قبول خط مشی ضد انقلابی رویزیونیستها نگردید و در کنار رفقا قاسمی و فروتن قرار گرفت. رفیق امیر خیزی عضو قدیمی حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران نیز در طی نامه ای پیوستن خویش را به "سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان" اعلام کرد و به طرد رویزیونیستهای حزب توده ایران پرداخت. پیدایش حزب کار ایران (توفان) با بیان مختصر در خطوط کلی محصول این شرایط تاریخی بود.

سازمان خود را به طور خلاصه معرفی کنید و آخرین تغییر و تحولات درون آن را عنوان کنید.

حزب کار ایران (توفان) یک تشکیلات مارکسیستی - لنینیستی است. حزب کار ایران (توفان) معتقد است که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر فصل نوینی در تاریخ بشریت آفرید. بلشویکهای قهرمان شوروی تحت رهبری حزب کبیر کمونیست شوروی و رفیق لنین در پی آن برآمدند که دنیائی بسازند که تا به امروز بشریت نظیر آن را بخود ندیده بود و تصور آن را در مخیله خود نداشت. دنیائی بدون استثمار. دنیائی متکی بر دیکتاتوری بر ضد ستمگران و دموکراسی وسیع برای اکثریت شکننده خلق. در شوروی بزرگترین دموکراسی تاریخ بشریت مستقر شد. در شوروی ساختمان سوسیالیسم برای نخستین بار تحت رهبری معمار سترگ سوسیالیسم رفیق استالین برپا شد. حزب ما از سی سال دیکتاتوری پرولتاریا در شوروی دفاع می کند و دستاوردهای این دوران تاریخی را الهامبخش مبارزه مردم و طبقه کارگر جهان برای پیروزی مجدد سوسیالیسم می داند. حزب ما پیرو ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم است و بویژه بر لنینیسم که مارکسیسم دوران زوال امپریالیسم و انقلابات پرولتاریادی بوده و صحتش در عمل به ثبوت رسیده است تکیه می کند. حزب ما ارزیابی تاریخی از دستاوردهای دوران رفیق استالین و دفاع از لنینیسم را ملاک تشخیص کمونیستها از غیر کمونیستها می داند. حزب ما در پی آن است که در ایران یک حکومت سوسیالیستی مستقر سازد که از منافع طبقه کارگر ایران و جهان حمایت کند.

حزب ما تشکیلاتی کمونیستی، ضد سرمایه داری، ضد صهیونیستی و ضد امپریالیستی است.

حزب ما خواهان سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی برای استقرار سوسیالیسم است.

حزب ما از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ایران حمایت می کند.

1- موضع حزب شما در قبال خطری که امروزه بر سر ایران سایه افکنده و آن حمله آمریکا به ایران است، چیست؟

حزب ما خواهان بسیج عظیم توده های مردم برای جلوگیری از جنگ در ایران و در خارج از ایران است. بنظر حزب ما ماهیت جنگی که امپریالیستها و نه آنطور که با سوء نیت گفته می شود "آمریکائیها"، در پی آن هستند جنگی استعمارگرانه، توسعه طلبانه، بربرمنشانه، غارتگرانه، تجاوزگرانه و امپریالیستی بر ضد میهن ما و برای غارت میهن ماست. حزب ما از این نظر مقاومت مردم ایران در مقابل تجاوز بربرها را یک مقاومت مشروع، عادلانه و انقلابی می

داند. ما معتقدیم که کمونیستها باید در هر کوی برزن با ایجاد کمیته های مقاومت بطور مستقل مردم را برای مقاومت بسیج کنند. رژیمهای حاکم در ایران می آیند و می روند ولی ایران همواره می ماند و مردمش مبارزه خواهند کرد. لذا این جنگ تنها دو طرف دارد. طرف تجاوزگران و طرف مخالفین تجاوز که برای استقلال ایران مبارزه می کنند. استقلال نیروهای انقلابی تنها در درون جبهه مقاومت مفهوم دارد. حزب ما مخالف سیاستی است که مبلغ نشستن میان دو صندلی است تا کسی نفهمد که چه باید بکند و لقمه چرب جاسوسان دشمن شود. حزب ما هوادار شفافیت در رهنمودهای عملی است و نه کلی گوییهای پوچ و بی خاصیت. آزادی ایران در گرو دفع تجاوز امپریالیستها و صهیونیستهاست. هدف امپریالیسم آمریکا در ایران نه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار دموکراسی و آزادی در ایران و ترک ایران است، هدف آنها مستعمره کردن ایران و غارت میهن ماست. این دروغها را که امپریالیستها بشردوست و دموکرات هستند نوکران امپریالیستها در ایران تبلیغ می کنند. ایران نباید به عراق "آزاد و دموکرات" دومی بدل شود.

2- رابطه ی حزب شما با سایر گروه ها و احزاب اپوزیسیون خارج کشور ، چگونه است؟ آیا با همه آنها بر سر میز مذاکره و تبادل نظر خواهید نشست؟

حزب ما با بسیاری سازمانها و احزاب اپوزیسیون بر سر مسایل مشخص مبارزه اتحاد عمل روشنی داشته و از این بیعد نیز خواهد داشت. ولی ما داوری خویش را در مورد سایر نیروهای اپوزیسیون بر اساس مصالح خلق و طبقه کارگر ایران قرار می دهیم و در هر زمینه ای که تامین این منافع در مد نظر باشد حاضر به همکاری با آنها هستیم. حزب ما ولی هرگز حاضر نیست به یک همکاری غیر اصولی که تنها برای ریختن خاک به چشم مردم میهن ماست تا نتوانند دوست را از دشمن بدرستی تشخیص دهند تن در دهد. حزب ما سیاستی را که تحت لوای "دموکراسی" و "ستون آزاد" و نظایر آنها همه را بیک سیاست غیر اصولی که موجبات سردرگمی را فراهم میآورد فرا می خوانند و به کلامی دیگر مبلغ سیاست "همه با هم است" طرد می کند. حزب ما سلطنت طلبان را منفور، گماشته امپریالیسم و دشمن مردم ایران می داند. انقلاب ایران آنها را به زباله دان تاریخ فرستاده است و چرخ تاریخ را نمی توان به عقب برگردانید. سیاستی که تحت لوای "دموکراسی"، "مسامحه"، "عدم خشونت" و... در پی مجلسی کردن یاران شعبان بی مخها است از جانب حزب ما محکوم است. شفافیت سیاسی و همکاری مشخص و اصولی هدفمند شرط ضروری هرگونه همکاری است. همکاری اصولی باید به جنبش مردم خدمت کند و نه اینکه موجب گمراهی آنها شود.

3- آیا برای نظام ایدئولوژیک در ایران آینده ای می بینید؟

متأسفانه شما در اینجا یک حکم نادرست صادر کرده اید که بسیار و به غلط نیز به سبب تبلیغات بورژوازی رایج است. مبتنی بر آن گویا همه نظامهای عالم ایدئولوژیک است بجز نظام سرمایه داری. باین جهت طرح پرسش شما از ریشه گمراه کننده است. در جهان نظام غیر ایدئولوژیک وجود ندارد و همه نظامهای شناخته شده نظامهای ایدئولوژیک هستند. طبقات حاکمه برای توجیه مناسباتی که در آن حاکمند همواره بدنبال دلایل توجیه می گردند تا نظام مورد نظر خود را بی عیب و نقص و جاودانی و تنها نظام ممکن جا زنند. این امر یک مبارزه ایدئولوژیک است. ایدئولوژی سرمایه داری لیبرالیسم و فاشیسم است و ایدئولوژی پرولتاریا سوسیالیسم می باشد. در ایران کنونی ایدئولوژی سرمایه داری حاکم با رنگ مذهبی همراه است. باین جهت است این نوع پرسش که گویا نظام کنونی ایدئولوژیک است چون مذهبی است و نظام بعدی که گویا سرمایه داری خواهد بود غیر ایدئولوژیک است گمراه کننده بوده و دروغ بزرگ سرمایه داری است. در آینده ایران یا ایدئولوژی سوسیالیستی بر سر کار می آید و یا اشکال دیگری از ایدئولوژی سرمایه داری. از جمله نوع لیبرال، فاشیستی، مذهبی و یا مانند آمریکا ترکیبی از همه آنها. نظام پنبوشه در شیلی سرمایه داری فاشیستی بود و نظام حاکم در عربستان سعودی نوع خاصی از سرمایه داری وابسته قبیله ای و کاملاً مذهبی است. پس نباید فریب تبلیغات ماشین عظیم ایدئولوژیک امپریالیستها را خورد که بر ضد مسلمانها اعلام جهاد داده اند و صنایع هولیوود را در خدمت توجیه نظام غارتگر سرمایه داری امپریالیستی بکار گرفته اند. ایدئولوژی ما سوسیالیسم است و ما برای استقرار آن بجای ایدئولوژی حاکم سرمایه داری مذهبی مبارزه می کنیم. بورژواها چون هنجارهای خویش را موازین عام جا می زنند و جهان را در قالب ایدئولوژی خویش جا می دهند هر چیز غیر "سرمایه داری"، را "جانبدارانه"، "ایدئولوژیک" و در تناقض با "عمومیت" مورد پذیرش خویش معرفی می کنند.

4- چه موضوعاتی برای حزب یا سازمان شما در اولویت قرار دارد؟

بطور کلی در شرایط امروزی مبارزه ایدئولوژیک برای ما در اولویت قرار دارد. تبلیغ کمونیسم و دفاع از آن در مقابل سایر انحرافات. هدف ما دفاع از پاکیزگی مارکسیسم لنینیسم است. هم اکنون جریانهای منحرفی که نقاب "کمونیسم" به

چهره زده اند در پی تحریف مارکسیسم لنینیسم بر آمده اند. آنها تحقق سوسیالیسم را نفی کرده و آزادی بشریت را به روز معاد حواله می دهند. حزب ما با این جریانهای صهیونیستی و امپریالیستی مبارزه روشن و ریشه ای می کند و در این راه موفق بوده است.

ولی بهر صورت جای اولویتها را شرایط مشخص مبارزه و درجه رشد مبارزه طبقاتی همواره تعیین می کند. در زمان تشدید خطر جنگ و تجاوز نظامی اولویت از نظر ما جلوگیری از تجاوز به ایران و قتل عام مردم ایران است.

5- تقریباً اکثر احزاب سیاسی اپوزیسیون مخالف برپایی زندان و اعدام و شکنجه هستند. فرض کنیم شما به قدرت رسیدید، با مخالفانتان چه رفتاری خواهید داشت؟

ما با این اظهار نظر شما که حکم صادر می کنید موافق نیستیم. اکثر سازمانهای اپوزیسیون ایران نیز نگفته اند که مخالف زندان هستند. طبیعی است که بعد از انقلاب مردمی ایران باید دشمنان انقلاب را که یک شبه از بین نمی روند به زندان انداخت. اگر زندانی در کار نباشد چرا ما در پی دستگیری و تعقیب آنها می رویم. آیا خوب است ضد انقلاب را «دموکرات منشانه» و با «احترام به حقوق مخالف و یا اقلیت» آزاد بگذاریم تا مجدداً خرابکاری کرده و به جنایت بزرگتری دست زند. امر سرکوب تا زمانیکه جوامع طبقاتی وجود دارند وجود خواهد داشت و مربوط به دلخواه این یا آن نیست. اگر کسی زندان و قوانین مجازات را نفی کند قوه قضائیه را نفی کرده است. حزب ما آهنگ آن ندارد قوه قضائیه را بزداید و خودسری را جایگزین آن کند. تشکلهائی که عکس این واقعیت را می گویند یا جاعلند و عوامفریب و یا نادان و دنباله رو. سخن باید نه بر سر بود و نبود قوه قضائیه بلکه بر سر تامین امنیت قضائی و رعایت حقوق انسانی و رعایت قوانین تصویب شده و قانون اساسی کشور باشد. شکنجه از نظر حزب ما مردود است. حزب ما بهمین جهت شکنجه هائی را که ابوغریب و گوانتانامو شده و می شود محکوم می کند. شکنجه مردم فلسطین را توسط صهیونیستهای اسرائیلی محکوم می کند، آدمربائی آمریکاییها و همکاری آلمانها و سایر دول اروپائی را با آنها محکوم می کند. ما عمال جنایتکاری نظیر برلوسکونی ایتالیائی و ارنار اسپانیائی را که با دروغ و دغل و شکنجه و سانسور در کشتار مردم عراق دست داشته اند به محاکمه خواهیم کشید. حزب ما حقوق بشر را به خوب و بد تقسیم نمی کند تا دست نوکران امپریالیستها و صهیونیستها را در آزادی شکنجه و نقض حقوق بشر آزاد بگذارد ولی دهان انتقادش به جمهوری اسلامی و سایر رژیمهای ارتجاعی و یا حتی مترقی نظیر کوبا، ونزوئلا، نیکاراگوئه و نظایر آنها دریده شود. چنین مدافعین حقوق بشری بزرگترین دشمنان حقوق بشرند. بهمین جهت حزب ما از شکنجه ها و آدمکشی و تروریسم جمهوری اسلامی همانقدر منزجر است که از جنایات صهیونیستهای اسرائیلی و امپریالیستهای جهانی در عراق و یوگسلاوی، سومالی، افغانستان، لبنان و... جالب این است که پاره ای از اپوزیسیون مدعی طرفداری از حقوق بشر اسرائیل صهیونیستی و شکنجه گر را دموکرات و کشور نمونه معرفی می کند. سخنان این عمال اسرائیل در مورد مخالفت با زندان و شکنجه اعدام در حقیقت حرف بی ربط و فاقد اعتبار است.

طبیعتاً در کشور سوسیالیستی یک قانون اساسی سوسیالیستی به تصویب رسیده است. همانگونه که در ممالک سرمایه داری آحاد ملت مجبورند در کادر قانون اساسی تصویب شده زندگی کنند و مخالفین قانون اساسی که بر ضد این قانون بپا می خیزند مورد تعقیب قانونی قرار می گیرند در ممالک سوسیالیستی نیز این احکام عام همانگونه عمل می کنند. وظیفه کمونیستها تبلیغ دروغها و عوامفریبیهای بورژواها نیست تا جنبشهای ضد اعدام راه بیاندازیم. وظیفه ما افشاء بورژوازی و برمل کردن دروغهای آنها در مورد منع شکنجه و زندان و اعدام است. در جامعه بی طبقه طبیعتاً نه سرکوبی وجود خواهد داشت و نه اعدامی و حزب ما در پی برپائی چنین جامعه ای گام بر می دارد. ولی حزب ما مخالف آن است که از ریاکاری بورژوازی وسیله ای برای تیرنه جنایت آنها بسازیم. در دموکرات ترین ممالک بورژوازی جهان نه تعریفی برای «تروریسم» وجود دارد و نه تعریفی برای «جرم سیاسی». باین جهت شما هرگز با تعقیب مخالفین سیاسی در ممالک سرمایه داری روبرو نمی شوید. همه مخالفین «تروریست» و جنایتکارند و در حین مقاومت در مقابل مجریان قانون به قتل می رسند. ممنوعیت حکم اعدام در ممالک سرمایه داری تنها در مورد قاتلان اعتبار داشته و تازه آن را هم از سوسیالیستها رونویسی کرده اند.

6- در رابطه با مسئله ملیت های ایران (ترک، کرد، عرب، لر، بلوچ و...) ، حزب شما چه راه حلی را مناسب می بیند؟

ما معتقدیم که زبان فارسی باید زبان رسمی ایران برای تفاهم میان ملت‌های ایران باشد. این زبان چه از نظر تاریخی و چه از نظر خویشاوندی با زبانهای کردی و بلوچی و چه از نظر سهولت در آموزش نقش برجسته ای در این گزینش بازی می کند و از فرهنگی غنی برخوردار می باشد. حزب ما هوادار کشور سوسیالیستی ایران است. در ایران

سوسیالیستی جمهوریهای ملیتهای غیر فارس موجودیت داشته و می توانند و باید در کنار آموزش زبان مشترک فارسی زبانهای مادری خویش را رسماً بیاموزند. بنظر حزب ما ستم ملی در ایران در عرصه زبان ملی تجلی دارد.

7- با مسئله زبان مادری چگونه برخورد می کنید و چه حقوقی برایش در نظر می گیرید؟

در پرسش قبلی پاسخ داده شد

8- فکر می کنید در داخل ایران و بویژه برای نسل جوان چقدر شناخته شده هستید و چقدر مردم به رهنمودهای شما توجه و عمل می کنند؟

حزب کار ایران (توفان) با بیش از چهل سال سابقه فعالیت سیاسی و صدها جانباز، حزبی که بعنوان «توفانیها» از زمان محمد رضا شاه در پیکار است، حزبی که دارای هویت تاریخی و دارای شناسنامه روشن سیاسی است از قبیل احزابی نیست که بعد از انقلاب چون قارچ سر از زمین در آوردند و دیر آمده، زود هم می بروند. حزب کار ایران (توفان) ناشناخته نیست. مراجعین به صفحه اینترنت توفان و توزیع نشریه حزب در ایران حاکی از آن است که آگاهان سیاسی از مواضع حزب ما بخوبی آگاهند.

پرسش دیگر شما که مردم چقدر به رهنمودهای حزب ما توجه می کنند پرسشی مجدداً گمراه کننده است. زیرا آنچه در درجه اول مهم است مشی سیاسی احزاب و از جمله حزب ماست. شما می توانید نظریات درستی داشته باشید در حالیکه مردم هنوز به آن حد از درک سازمان پیشتاز نرسیده باشند که به رهنمودهای شما عمل کنند و همانگونه که دیدیم بر خلاف نظریات «توفانیها» و مخالفت آنها بدنبال خمینی رفتند. این گمراهی مردم ناشی از حقانیت خمینی نیست و نبود. مانیفست حزب کمونیست بیش از 150 سال است که منتشر شده است ولی هنوز اکثریت مردم در سراسر جهان حتی از وجود چنین کتابی بی خبرند. باین جهت پرسشی که این شبهه را القاء کند که گویا اعتبار یک تشکل سیاسی وابسته به درجه شناخت آن از طرف مردم است بکلی نادرست می باشد. تاریخ ایران طوری بوده است که حزب توده ایران و جبهه ملی ایران مشهورترین سازمانهای سیاسی ایران هستند ولی در نزد مردم فاقد اعتبارند. در شرایط خفقان جمهوری اسلامی که همه امکانات تبلیغاتی را از ما گرفته اند و دست سازمانهای جاسوسی و سازمانهای اپوزیسیون تقلبی را باز گذارده اند تا با 85 میلیون دلار آمریکائی، 15 میلیون یوروی هلندی و رادیوهای بیگانه اظهار وجود کنند حزب ما را در یک مبارزه نابرابر قراردادده اند. اینجاست که حزب ما به پیروزیهای زودرس اعتقادی ندارد و سیاست راهبردی خویش را به کار طولانی توده ای قرار می دهد.

با احترام

دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان)

2007/11/17

گزارش کوتاهی از جشن نودمین سالگرد انقلاب اکتبر. گزارش مفصل این جشن در توفان ارگان مرکزی حزب انتشار یافته است.

در روز 24 نوامبر سال 2007 جشن یادبود نودمین سالگرد انقلاب اکتبر با شرکت حدود 130 نفر با حضور رفقای کمونیست آلمانی و آمریکای جنوبی و فرانسوی با شکوه فراوان برگزار شد. شرکت رفقای کمونیست خارجی بیان همبستگی انترناسیونالیستی کارگران جهان است که با حضور خود و همکاری در برگزاری برنامه های جشن یگانگی و خویشاوندی انسانی و کمونیستی خویش را با کمونیستهای ایران بیان می کنند. این جشن با برنامه های متنوع به مدت پنج ساعت ادامه یافت و با سرود انترناسیونال و استالینگراد با موفقیت پایان گرفت.



اهمیت خاورمیانه و احتمال تجاوز نظامی به ایران

جنگ و صلح - بمثابه مقولات اجتماعی - در ورای مناسبات جاری... در ورای رژیمهای اقتصادی متداول و مبارزه نیروهای «فقر و ثروت» در این یا آن دوران مشخص تاریخی، اصلاً قابل تصور نیست. پس باید در بستر مناسبات سرمایه داری... در بستر رقابت امپریالیستی و مبارزه نیروهای «کار و سرمایه» در سطح ملی و بین المللی به مسئله پاسخ داد.

بدون شک تهدید امپریالیسم آمریکا - با وجود گرفتاری در عراق - جدی است و نباید آن را دستکم گرفت. شواهدی هست مبنی بر اینکه امپریالیسم آمریکا - تابع الزامات انحصارات خودی - با بیش از 11 تا 12 هزار میلیارد دلار درآمد ناخالص ملی (معادل یک پنجم درآمد ناخالص دنیا)، با امکانات وسیع مالی و فنی و ارتباطی، اقمار ریز و درشت + ارتشی حاضر به یراق در اقصی نقاط جهان، در پی نوعی جهانسالاری است و با آزادی تمام خلقها... با استقلال همه ملتها... اصلاً با موضوع زیست جمعی انسانها سر ستیز دارد. و تمام مساله هم اینجاست. سرمایه - بقول مارکس کار مرده و مترکم - که عقل و شعور ندارد. خاصه اینکه در قالب انحصار و با ابعاد امروزی خود... افسانه «ضحاک» را تداعی میکند - که خوراکش مغز انسان بود. با این تفصیل، تردید نداریم که داد و قال ارزان نمایندگان امپریالیسم و صیهونیسم، استعمارگران قدیمی و جدید، و یا دولتمردان نوبتی بر سر «حقوق بشر» و «دمکراسی»، بر سر داستان جنگ «اسلام سیاسی» و انواع دعاوی خر رنگ کن از این دست...! اینها همه برای فریب افکار عمومی... بخاطر گمراهی مردم از مسائل کلیدی جامعه است. فکر جهانسالاری امپریالیسم آمریکا، به دهه آخر قرن بیستم میلادی باز میگردد، با فروپاشی امپراتوری شوروی و در پایان دوران رقابت اردوگاهی بوجود آمد - بسال 1991 میلادی - در جریان لشگرکشی آزمایشی «سازمان ملل» به عراق آشکار شد. دوران رقابت اردوگاهی - در قرن بیستم میلادی - قریب چهار دهه متوالی بدراز کشید. در این فاصله، دنیا با سرکردگی مشترک دو امپراتوری (آمریکا و شوروی) اداره میشد - دو قطبی بود. کنترل انحصاری تولید و بازرگانی جهان موضوع رقابت اردوگاهی بود - که سالهای متوالی - آرایش نیروهای بین المللی را تحت الشعاع قرار داده، شاخص رسمی محاسبات اقتصادی و زد و بندهای سیاسی بود... ملاک داوریهایی حقوقی بشمار میرفت. گو اینکه نظم اردوگاهی جهان، در اصل به تقابل نیروهای سازمانیافته «فقر و ثروت» در دوران معاصر باز میگردد. با پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر بسال 1917 میلادی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا در روسیه رقم خورد. با مصادره دارائی و املاک سرمایه داران و ملاکین در روسیه، سیادت «آقایان» در یک جغرافیای معلوم سیاسی بکلی بر افتاد، حق مالکیت خصوصی بر وسائل تولید اجتماعی ملغی، بهره کشی فرد از فرد ممنوع گردید. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی هدایت تولید به تناسب نیازهای جاری مردم را در دستور کار قرار داد، بپای تامین تغذیه و مسکن و بهداشت و درمان و آموزش رایگان... حق و حقوق فردی و اجتماعی بر مبنای «کار موظف همگانی» رفت. تا اینکه رفته رفته آرایش اجتماعی نوینی پا گرفت و برای نیروی کار در دنیای پریشان سرمایه دورنمای روشنی بدست داد. ولی این آرایش تازه اجتماعی - بعد از قریب چهار دهه - با احیای شیوه سرمایه داری تولید در شوروی به بیراهه افتاد... با برآمد امپراتوری شوروی - به تناسب الزامات بازار - سامان گرفت، در راس اتحادیه پیمان ورشو بود که بسمت رقابت اردوگاهی فرو افتاد و یک طرف جهان دو قطبی شد. امپراتوری شوروی، بدنبال آن تمام اردوی «سوسیالیسم» بازاری بطریق اولی - بر اثر انحطاط سرمایه داری... رقابت انحصاری - در اواخر قرن گذشته بکلی فروریخت. با فروپاشی امپراتوری شوروی... انحلال پیمان ورشو در ملاء عام - بدلالی که شرح آن رفت - راه برای جهانسالاری امپریالیسم آمریکا باز شد. جهانسالاری صوری - فرمولی در نوع خود تمرین نشده - که تازه میبایست اعتبار عملی پیدا کند. اهمیت خاورمیانه در مسیر تحقق جهانسالاری امپریالیسم آمریکا خیلی زیاد است. خاورمیانه - مرکز ثقل کنونی رقابتهای امپریالیستی - فعلاً تا 60% به چین و هند و... نفت میروساند و بیش از 80% نفت و گاز اروپای غربی و ژاپن را نیز تامین میکند. تسلط بر خاورمیانه - حاوی دو سوم ذخائر نفت و گاز جهان - کنترل انحصاری تنگه هرمز در خلیج فارس - هنوز هم ارزان ترین راه ارتباط دریائی میان آسیا و اروپا - استراتژی امپریالیسم آمریکا در اوضاع و احوال جاری است، که جوهری اشغالگرانه دارد. فرمول معروف «نظم نوین جهانی» و طرح تکمیلی «خاور میانه بزرگ»! بیان سیاسی همین استراتژی اشغالگرانه است... هنوز هم در دستور کار کاخ سفید و پنتاگون قرار دارد. پس تسلط بر خاورمیانه، از راه سرکوب خلقهای «یاعی» و در هم کوبیدن ملتتهای «خاطی»! برای امپریالیسم آمریکا اهمیت حیاتی دارد. حال آنکه «خاورمیانه بزرگ»، زیر سلطه امپریالیسم آمریکا! اصلاً با استقلال ایران جور در نمی آید. محاصره ایران را بدون عینک هم میتوان دید. بلحاظ عینی، تمرکز نیرومند و مستقیم اشغالگران آمریکائی در خلیج فارس بی سابقه است. عاملی که امنیت ایران و منطقه را به خطر انداخته... اصلاً تهدیدی است برای صلح جهان. دهها فروند ناو هواپیمابر، ناوگانهای جنگی و تدارکاتی، کلی ناوچه های سریع السیر و ضربتی، دهها بمب افکن دور پرواز،

صدها شکاری و هلیکوپتر، هزاران دستگاه توپ و تانک و زرهپوش، وسائل تعرضی عجیب و غریب، انواع راکتها و موشکهای ریز و درشت و... اینها که بر کسی پوشیده نیست. در این حالت انفجاری و التهاب، کافی است که طرف مورد تهدید - فعلا ایران - از روی ناشیگری یا حماقت رژیم! خطا کند... صدائی از خود در آورد تا این ارتش حاضر به یراق مردم ایران را از زمین و هوا و دریا بزیر آتش بگیرد. بزعم سفارشیها، گویا این آرایش جنگی تمام عیار... بسیج نیرومند نظامی امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، متوجه «اسلام سیاسی» است! جل الخالق! در اینصورت، محاصره اقتصادی و اختناق پنجاه ساله مردم کوبا برای چیست؟ سلاخی و کشتار مردم ویتنام و کامبوج و لائوس و... چه بود؟ محاصره و اشغال پاناما، قتل عام مردم نیاکار آگوئه، کودتای ونزوئلا، سرقت رئیس جمهور کاتولیک تاهیتی و... اینها را چطور باید توضیح داد؟ این رشته سر دراز دارد... بعلاوه، حضور خرابکاران «غیر» رسمی آمریکا و کوماندوهای بخش «خصوصی» و... در بعضی از شهرهای و دهکده های مرزی ایران! بدفعات در روزنامه ها منعکس شده... دیگر محرمانه نیست. در عین حال، بطور «پوشیده» نیز! مدتی است که ایران از طریق آذربایجان و گرجستان و ترکمنستان و تاجیکستان، افغانستان و عراق اشغالی، عربستان سعودی و یمن و شیخ نشینهای خلیج فارس، حتی از طریق ترکیه و پاکستان! در محاصره قوای ضربتی آمریکاست، در تیررس نزدیک این امپریالیسم دیوانه و جنایتکار قرار دارد. با این حساب، پیداست که پای اشغال کشور ما... تغییر رژیم ایران بشیوه آمریکائی در میان است. ما چه میگوئیم و از ما بهتران چه میکنند. بر خلاف اراجیف «اهل فن»! رویدادهای جاری - خاصه تهدیدهای مکرر و لشگرکشیهای نوبتی امپریالیسم آمریکا و شرکاء - نشان میدهد که جغرافیای سیاسی جهان در شرف یک تغییر خشنونتبار قرار دارد. در واقع، سخن بر سر رقابت انحصاری... بر سر گشایش زوری بازار و کنترل انحصاری تولید و بازرگانی جهان است. محدودیت بازار فروش، کاهش مواد خام، تنزل نرخ سود سرمایه، اضافه تولید، اوج بحران، تشدید رقابت انحصاری، تعطیل واحدهای تولیدی و بازرگانی «غیر» سود آور، افزایش مداوم فقر و بیکاری و دربدری مردم... رونق نژاد پرستی رسمی و «غیر» رسمی، تبلیغ آشکار «خارجی» ستیزی در شرق و غرب جنوب و شمال + تهدید و ماجراجویی، اشغالگری و جنگهای ارزان بشیوه کهن... اینها همه تدارک جنگهای امپریالیستی اول و دوم جهانی را تداعی میکند. بعلاوه، تشخیص اینکه آرایش موجود نیروهای بین المللی با وزن مخصوص اقتصادی کشورهای پیشرفته و پس مانده سرمایه داری خوانائی ندارد... اصلا دشوار نیست. داستان «حسن» نیت انحصارات! پیشکش هواداران. ولی شواهد زنده ای وجود دارد مبنی بر اینکه بازیگران دنیای «آزاد»! خیال بازگشت بدوران استعمار کهن را در سر می پروراند. در این ارتباط، حزب ما در قبال نقض آشکار موازین شناخته شده بین المللی توسط امپریالیسم و صیهونیسم، در قبال گسترش ماجراجویی و جنگ در بالکان و قفقاز و خاور میانه و... از طرف استعمارگران قدیمی و جدید، در قبال سرکوب و چپاول مداوم خلقها، قتل عام نوبتی ملتها و... هشدار داده و مقالات تحلیلی فراوانی را انتشار داده است. حزب ما مردم این مناطق را به هشیاری و مقاومت فعال در برابر امپریالیسم و ارتجاع فراخوانده، خلقها و ملتها را به مبارزه ای همزمان بر علیه استبداد و خودکامگی و استعمار تشویق و ترغیب میکند. اما در مقابل - پس مانده منتظر استبداد کهن، سفارشیهای فارس و کرد و ترک و عرب و بلوچ... خیل سیاست بزان فصلی و دوره گرد، و یا ارتش و اخورده های وطنی - هر یک بطریقی - چشم به کیسه ارباب دوخته و در انتظار روز موعود! فعلا در سنگر دمکراسی «ناب» لم داده و رنگین نامه مینویسند، از روی وظیفه - با دهان پر - بیشتر مانده داستان جفتنگ «اسلام سیاسی» را علم کرده و شب و روز به چشم مردم ایران، به چشم خلقهای منطقه خاک می پاشند. معذالک - بجز خواجه شیراز - چندی پیش همه دیدند که چگونه یوگسلاوی «مسیحی»! توسط ناتوچینا تجزیه و تقسیم شد... بکلی از میان رفت. چطور افغانستان و عراق «مسلمان»! با جعل و تقلب از طرف امپریالیسم آمریکا و شرکاء اشغال، بخاطر منافع سلاطین بورس و تسلیحات... بپای نفتیهای آمریکائی و انگلیسی قربانی شدند. کشتار دائم فلسطینیها، ویرانی دوباره لبنان، قتل عام اخیر مردم این کشور توسط اشغالگران اسرائیلی و... حقایقی که حکایت از صحت دریافتهای حزبی ما دارند. تا کور شود هر آنکه نتواند دید. استراتژی نظامی امپریالیسم آمریکا و شرکاء در لشگرکشی به ایران - مثل مورد معلوم یوگسلاوی و افغانستان و عراق - چیزی جز قتل عام مردم... تخریب و انهدام و ویرانگری نیست. آزموده را آزمودن خطاست. پس تاخیر... تردید! اصلا روا نیست. برای مقابله با قوای اشغالگر، که بمنظور ایجاد رعب و وحشت در میان اهالی! فقط برای ترور و آدمکشی و تخریب و انهدام وسائل زیست جمعی مردم آموزش گرفته است - مبارزه ملی و انقلابی مردم ایران - از طبقه کارگر گرفته تا زحمتکشان شهرو روستا، از بچه های خرد سال تا زنان و مردان سالمند، تا معلم و محصل و دانشجو... مذهبی و غیر مذهبی و ضد مذهب، واجب و حیاتی است. نباید به امپریالیسم جنایتکار آمریکا و شرکاء اجازه داد که «عراق» دیگری در حوزه خلیج فارس بوجود آورند. ما که گوسفند قربانی «متمدنهای» باختری نیستیم! در این ارتباط و بخاطر دفاعی جانانه از کشورمان، مردم ایران وظیفه دارند - مستقل از حکومت و تدارکات رسمی - کارگران در کارگاهها و کارخانه های بزرگ و کوچک، دانش آموزان و معلمان در مدارس، دانشجویان و استادان در دانشگاهها و مدارس عالی، زنان و مردان جوان و سالمند در کوچه ها و محله ها و... کمیته های ضد تجاوز و انقلابی ایجاد کرده و در هر فرصتی اشکال مقابله با آدمکشان آمریکائی و اروپائی را تمرین کنند. رژیم جمهوری اسلامی که هر روزه با گسترش سرکوب بیرحمانه کارگران، دانشجویان و زنان و همه مخالفین به امپریالیسم خدمت میکند باید بعنوان یک رژیم خودکامه و اخلاکگر که مانع مبارزه مستقل مردم علیه قوای متجاوز میگردد افشا گردد. یا با مردم علیه نیروی متجاوز و امپریالیسم و یا سازش و زد و بند با امپریالیسم و استعمار علیه مردم، شق وسطی وجود ندارد. مردم ایران تحت هیچ شرایطی تسلیم نیروهای ارتجاعی نخواهند شد و در مقابل هر تجاوز و اشغالی ایستاده و خواهند ایستاد.

تامین امنیت سرمایه و کارگر ستیزی

فصل مشترک دولت "سازندگی" رفسنجانی ، دولت "اصلاحات" خاتمی و دولت "عدالتخواه" احمدی نژاد اجرای سیاست های نئولیبرالیستی در عرصه های اقتصادی و اجتماعی است.

نئولیبرالیسم به عنوان حاکمیت قانون تنازع بقاء در عرصه اجتماع انسانی با تحمیل مکانیسم بازار به عنوان تنها اداره کننده سرنوشت بشر بر اساس دکترین رقابت (رقابت افراد ، شرکتها ، مناطق و ملتها) در جهت پایمال کردن و نابودی ضعفا و قدرتمند تر شدن قدرتمندان عمل می کند.

سیاست های نئولیبرالیستی که حدود سی سال پیش در زمان دولت مارگارت تاچر در انگلیس شروع شد و بخصوص بعد از فرو پاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق با رهنمودهای صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در جهت منافع امپریالیسم جهانی و کارتل ها و تراست ها و کنسرن ها و شرکت های غول پیکر چند ملیتی ، روند رو به رشدی در سراسر جهان و از جمله ایران یافت ، یورش همه جانبه ای به دست آوردهای کارگران و زحمتکشان در عرصه های مختلف اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی سازمان دادند. هدف آنها پایمال کردن حقوق کار و اصول و مقررات حقوق کار بین الملل و زمینه سازی برای ایجاد نیروی کار فراوان و ارزان و استثمار بیشتر است.

تضعیف و درهم شکستن اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری موجود و ممانعت از تشکیل سندیکاها ی مستقل جدید - تغییر قوانین کار و بهداشت و محیط زیست به نفع سرمایه داران

- خصوصی سازی (یا در واقع واگذاری نتایج کار زحمتکشان به اقلیتی دزد سرمایه دار و اعوان و انصار مقامات جمهوری اسلامی و آقا زاده ها و مافیای حاکم)

- کاهش هزینه های اجتماعی (که در واقع باعث افزایش هزینه های آموزش و بهداشت و درمان و مسکن و تامین اجتماعی و پی آمدهای آن برای زحمتکشان میشود).

- کاهش نقش دولت (که حذف پرداخت های رفاهی در زمینه آموزش عمومی و فنی و حرفه ای ، تربیت بدنی ، درمان و توانبخشی ، نگهداری از سالمندان ، معلولین و کودکان بی سرپرست ، کتابخانه ها ، مراکز فرهنگی و هنری ، خدمات شهری و روستائی و کاهش نیروی کار بخش دولتی و در نتیجه افزایش بیکاری را بدنبال دارد).

- حذف تعرفه ها (که منجر به ورود کالاهای خارجی بیشتر و ورشکستگی و تخریب صنایع داخلی و افزایش بیکاری می شود).

- افزایش نرخ بهره (که باعث ورشکستگی و بیکاری وام گیرنده ها در عرصه صنعت و کشاورزی می شود).

- کاهش و حذف سوبسید کالاهای اساسی (که افزایش هزینه زندگی زحمتکشان را بدنبال دارد) و در نهایت

- تغییر ساختار اقتصادی در جهت تولید به منظور صادرات (که باعث ورشکستگی صنایع داخلی در رقابت با شرکتهای قدرتمند خارجی و ایجاد نیروی کار فراوان و ارزان و وابستگی بیشتر می شود).

این است چکیده سیاستها و برنامه اقتصادی جمهوری اسلامی که همه جناح ها و باندهای گوناگون آن در مورد آن وحدت نظر دارند . اختلاف آنها با هم نه در محتوی و مضمون بلکه در شکل و در رابطه با سهم خواهی بیشتر از غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان است. ریشه دشمنی و کینه توزی و قساوت و بی رحمی آنها را در رابطه با طبقه کارگر و ضدیت هیستریک آنها با سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری را باید در ماهیت طبقاتی و سیاست های نئولیبرالیستی آنها جستجو کرد.

اخراجهای دسته جمعی ، تعطیلی کارخانجات ، تبدیل کارگران رسمی به قراردادی ، بیکاری پنج میلیونی ، خط فقر 400 هزار تومانی و تعیین مبلغ 183 هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد، سرکوب و زندان و شکنجه و ترور کارگران معترض و حق طلب دست آورد جمهوری اسلامی در کلیت خود برای طبقه کارگر ایران است.

محکومیت منصور اسالو دبیر هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و ابراهیم مددی نائب رئیس این سندیکا به پنج سال و سه سال و نیم زندان. بازداشت فریدون نیکو فرد نماینده کارگران نیشکر هفت تپه و تهدید کارگران برای ممانعت از تشکیل سندیکا، اقدام به ترور مجید حمیدی عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، نمونه هائی از کینه حیوانی حاکمیت کارگر ستیز و نشان دهنده وحشت و هراس آنها از اتحاد و همبستگی و تشکیلات کارگری است.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

پیرامون اعتصاب کارگران فرانسه

بعد از ماهها دور - اندیشی... داد و قال ارزان محافل رسمی بر سر قانون بازنشستگی و «ویژگی» آن در صنایع حمل و نقل زمینی فرانسه (شامل کارگران راه آهن سراسری، خطوط مترو، تراموا و اتوبوسهای شهری)، عاقبت شرکت سهامی الیزه - تابع و سر براه بناپارتیسم - بمنظور اختناق کارگران «یک دنده»! فرمول قدیمی تحریک افکار عمومی، بسیج خرده پای حریص و کم فرهنگ را برگزید، سیاست نفاق افکنی و فشار و تهدید در پیش گرفت، بیای نوعی «جنگ داخلی» رفت تا با نقض آشکار حقوق شناخته شده کارگران... با تغییر قرارداد استخدامی برای افزایش زمان مطلق اشتغال آنان در صنایع حمل و نقل زمینی از سی و هفت به چهل سال! تنزل نرخ سود سرمایه در اوضاع و احوال جاری را «جبران» کند. از کوزه همان برون تراود که دروست...

بدنبال اصلاحات ضربتی سارکوزی و شرکاء در این شش ماه اخیر برای «رفع» فوری ناهنجاریهای اقتصادی و اجتماعی و قضائی...! که تا بحال به افزایش سرسام آور قیمتها و کاهش قدرت خرید مردم، به تقلیل یا حذف کامل بسیاری از خدمات درمانی و آموزشی و رفاهی کارگران و زحمتکشان، به تعطیل بیش از دو بیست دادگاه رسیدگی به جرائم کارفرمایان و انحلال بیش از چهل هزار پست دولتی... منجر شده و در پی سماجت وزیر کار «چاق کنی» فرانسه بر سر «فرمان» حذف یکی از بندهای قرارداد استخدامی کارگران صنایع حمل و نقل زمینی بود که یک جنبش کارگری نسبتاً گسترده در گرفت و با فراخوان چند سندیکا، از غروب روز سه شنبه سیزدهم نوامبر سال جاری میلادی - تا اطلاع ثانوی - بیش از 60% از کارگران صنایع حمل و نقل زمینی فرانسه دست از کار کشیدند. حیرت آور اینکه تحریک افکار عمومی در قبال اعتصابیون، بعنوان «مشتی راحت طلب و خود خواه و مفت بر و...»! خیلی زود تر از اعتصاب شروع شد، یک کارزار تبلیغاتی تمام عیار بر علیه کارگران براه افتاد. جار و جنجال دائمی هواداران قسم خورده سارکوزی... تعبیر مضحک «اهل فن»! در باره پیشرفتهای فنی و لزوم اصلاحات قهقرائی دولت... بجای خود. ولی اینبار، حتی صدای لشکر ذخیره بناپارتیسم نیز در آمد! از وکیل و سناتور و حقوقدان و رجال از کار افتاده گرفته تا انواع محافل سفارشی، انجمنهای مصلحتی، نویسندگان و نقاش و خواننده و نوازنده و...

فعلاً، سخن بر سر افزایش زمان مطلق اشتغال - از 5، 37، 40 سال - در صنایع حمل و نقل زمینی است. که در قانون استخدامی کشور و با وجود دستبرد قبلی - بدلیل شدت فرسایش کار - تا بحال دست نخورده باقی مانده است. دعوا بر سر همین «حق ویژه» است! که بورژوازی را آزار میدهد. ولی از قرار معلوم - قدم اعلان شده بعدی - رساندن سن بازنشستگی به 41 یا 42 سال در سطح ملی است (طرح دولت برای سال 2008 میلادی). پس حضرات میخواهند قانون استخدامی موجود را عوض کنند... فشار بحران جاری را بدوش مردم انداخته و سن بازنشستگی را - به تناسب نیاز فوری سرمایه - بالا ببرند. در یک کلام، پای افزایش زمان مطلق اشتغال بطور کلی در میان است. با این کار - در چارچوب مالکیت خصوصی و شیوه سرمایه داری تولید - قاعدتاً میزان استثمار بالا رفته و بهمین نسبت نرخ سود سرمایه افزایش مییابد. معذالک، جناب سارکوزی اصرار زیادی دارد که خود را «نماینده» همه فرانسویها قالب کند! بیخود نبود که او هفته گذشته، حتماً بخاطر «همدردی» با اکثریت مردم فرانسه! که روزانه قدرت خرید خود را از دست میدهند و افزایش 2 تا 3 درصد دستمزد را فریاد میکنند... در کمال بیشرمی حقوق ماهانه خود را تا 140 درصد بالا برد! در این ارتباط، از قضا «جامعه شناسان» رسمی خفقان مرگ گرفتند... لام تا کام حرفی نزدند. حق با ژان پل سارتر بود که اینان را در زمان خود «ماموران پلیس در لباس جامعه شناس» نامگذاری کرده بود...

پس این داستان مضحک «حق ویژه» کارگران صنایع حمل و نقل زمینی! با توجه به حسابهای «محرمانه» و نجومی آقایان و آقا زاده ها در بانکهای «بی» نام و نشان، ایضا صندوقهای «سیاه و سفید» احزاب رسمی، پاداش «زیر میزی» دولتمردان نوبتی، حق «سفر» رجال، حق عیاشی از ما بهتران و یا حتی حق «شلوار و کفش و جوراب و پوتین» ژنرالها و... بکلی پوچ و بی معنی، حرف مفت است. شکرگدی خر رنگ کن برای تحریک افکار عمومی... بخاطر بسیج خرده پای خرفت و پرمدها در قبال جنبش اجتماعی کارگران است. سیاستی است برای لاپوشی افزایش قیمتها و مالیاتهای مستقیم، افزایش فقر و بیکاری و خانه بدوشی روز افزون مردم. فراموش نکنیم که اعتصاب سراسری کارمندان دولت، فرهنگیان، دانشگاهها، پست، آب و برق، اداره مالیات، هواپیمائی و... در قبال اصلاحات قهقرائی دولت برای روز سه شنبه بیستم نوامبر، یعنی دو روز دیگر، پیش بینی شده است. قرار است که یک تظاهرات مرکزی در پاریس و اعتراضات خیابانی در همه شهرهای بزرگ - با حضور نیرومند کارگران و کارمندان بخش دولتی و خصوصی، بیکاران و بازنشسته ها، معلمان و دانش آموزان و دانشجویان در اعتراض بهمین نابسامانیهای جاری و بخاطر افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار و زندگی جمعی... برگزار شود. مثل اینکه بناپارتیسم، شرکت سهامی الیزه، سارکوزی و شرکاء بطریق اولی، از پیوند جنبش کارگری با این خلق منتظر هراس دارند. دولت خیلی زور میزند که تا پیش از این اعتراض سراسری، اعتصاب کارگران صنایع حمل و نقل را در هم بشکند! زهی خیال باطل..

پیام همبستگی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به کارگران حمل و نقل فرانسه

کارگران ، یاران و همزمان گرامی ؛

مطلع شدیم که دولت فرانسه جهت پیشبرد جهانی سازی و برای پایمال کردن حقوق بازنشستگی کارگران که طی سالها مبارزه بدست آورده اند برنامه ای را در دستور کار خود قرار داده که ناقض دست آوردهای شما می باشد ، در این راستا سندیکاهای کشور فرانسه برای دفاع از حقوق کارگران اقدام به سازماندهی اعتصابی بزرگ جهت جلوگیری از یورش سرمایه داران و پایمال شدن حقوق کارگران کرده است .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن حمایت کامل از این حرکت شکوهمند با صدایی رسا اعلام می دارد : « شما درد مشترک کارگران جهان را فریاد می زنید» . هجوم به تمام دست آوردهای کارگران تحت عنوان جهانی سازی از برنامه های اکثر دولتهای سرمایه داری است که جز فقر ، فلاکت و بیکاری کارگران هیچ نتیجه ای را به دنبال نخواهد داشت . پیروزی شما در این نبرد ، پیروزی همه کارگران جهان محسوب می شود . ما را در این مبارزه در کنار خود بدانید .

همانطور که مطلعید کارگران سندیکای شرکت واحد به خاطر ابتدایی ترین حقوق کارگری که در سطح جهان پذیرفته شده جهت ایجاد تشکل مستقل کارگری طی سه سال گذشته تحت شدید ترین فشارها قرار دارد و هم اکنون رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره سندیکا آقایان **منصور اسالو و ابراهیم مددی** بخاطر دفاع از حقوق کارگران در زندان به سر می برند و اعضای هیئت مدیره همچنان در راهروهای دادگاه انقلاب سرگردان و از کار کردن محروم می باشند .

ما پیروزی شما در این مبارزه را پیروزی همه کارگران قلمداد می کنیم و تنها راه نجاتمان را اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران و مبارزه برای رفع این بی عدالتی ها در راه رسیدن به یک زندگی در خور شان همه انسانها می دانیم .

بار دیگر حمایت خود را از اعتصاب پر قدرت شما اعلام داشته و
برایتان در این مبارزه متحدانه امید موفقیت داریم .

با امید به گسترش صلح ، عدالت و آزادی در سراسر جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

1386/9/2

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

تاکتیک درست مبارزه و هواداران شرمگین تجاوز آمریکا به ایران

تاکتیک مبارزه را باید بر اساس واقع بینی و نه بر اساس ذهنیگری و نابینائی سیاسی معین ساخت. آنکس که هوادار صلح است باید برای ایجاد شرایطی مبارزه کند که مانع شود تا امپریالیست آمریکا به ایران تجاوز کند و از مردم ایران قتل عام نماید و ایران را به ویرانه بدل کند. وضع کنونی ایران صد ها بار ارجحتر است از وضع مشابهی که در عراق پس از اشغال آن کشور پیش آمده است و مردم بیچاره عراق را ده ها سال از قافله تمدن به عقب پرتاب کرده است، وضع مردم ایران هم اکنون حتی در زیر ساطور مرگ آور جمهوری اسلامی صدها بار ارجحتر از وضعی خواهد بود که بمب افکنهای آمریکائی با استفاده از بمبهای اتمی مینیاتوری به نابودی شرایط مادی هستی مردم میهن پرداخته و موجب مرگ میلیونها نفر از هموطنان ما در حال و آینده گردند. جلوگیری از جنگ، بتاخیر انداختن آن، فشار به امپریالیستها از طریق افکار عمومی و کار روشنگرانه ترویجی در میان ایرانیان در داخل کشور در مورد خطر امپریالیسم و شناساندن چهره های دشمنان مردم ما و ماهیت ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی و حقوق قانونی کشور ما، تاکتیک درست مبارزه ای است که باید در پیش گرفت. باید تکیه را بر بسیج مردم علیه امپریالیسم آمریکا که مسبب و بانی و برانگیزنده جنگ است قرار داد. باید نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی نمی تواند از حقوق و منافع ملی ایران حمایت کند و این مردم ایران هستند که باید به نیروی خود و رهبری انقلابی اعتماد کنند. شعار های "انقلابی" ضد رژیمی و همسنگ کردن خطر موهومی ایران با خطر واقعی امپریالیسم جهانی و صهیونیسم در تظاهرات جهانی جنبش صلح، در شرایطی که ایران تحت خطر بمباران و تجاوز احتمالی و نابودی قرار دارد، طبیعتاً آن وزنی را ندارد که شعار "ته! به استعمار و امپریالیسم جهانی" و بویژه امپریالیست آمریکا خواهد داشت. شعاری که به مبارزه مردم ایران خدمت می کند. در تظاهرات جنبش صلح تنها باید خطر تجاوز آمریکا به ایران را برجسته کرد. باید روشن و شفاف توضیح داد و تاکید کرد که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وظیفه کارگران، زحمتکشان و همه ستمدیدگان جامعه است و هر نوع دخالت خارجی محکوم است. باید به تقویت جنبش صلح و پیشگیری از تجاوز نظامی به ایران همت کرد و تنها این سیاست است که بنفع مبارزه طبقاتی و مردم ایران است. هرکس که این آرایش قوا را نبیند به نفع طرف قویتر و قوای متجاوز وارد کارزار شده است و در این جنبش ضد اشغال جانی نخواهد داشت. این عده هواداران شرمگین تجاوز آمریکا به ایرانند. وقتی کسی میهن پرستی کمونیستی را به ریشخند بگیرد و آن را بیشرمانه سازش طبقاتی تحلیل کند دیگر چه دلیلی برای مقاومت و ایستادگی در مقابل نیروی متجاوز است. ترسکیستها و وطن فروشانی نظیر حزب کمونیست کارگری، مجاهدین و کومله مهندی... عملاً خواهان تجاوز نظامی آمریکا به ایرانند. این گروه های ضد مردمی و خرابکار جایی در بین مردم ایران ندارند. اینان عملاً بدنبال همان سناریوی عراقیزه کردن ایرانند.

حزب کار ایران (توفان) لحظه ای از افشای منحرفین و تفرقه افکنان ترسکیست و شبه ترسکیست و چاکران امپریالیسم درنگ نخواهد کرد و پیگیرانه در جهت طرد آنها از صفوف جنبش صلح و ضد تجاوز به ایران خواهد کوشید. همانطور که تا کنون کوشیده است.

دست امپریالیسم آمریکا از ایران کوتاه باد!
علیه تحریم، علیه تجاوز نظامی، نابود باد امپریالیسم جهانی!

دست امپریالیستها از ایران کوتاه باد! سرنگونی رژیم سرمایه داری ایران فقط بدست مردم ایران!

بمناسبت نهمین سالگرد قتل پوینده و مختاری، پیام کانون نویسندگان ایران و گزارشی در این مورد



صحنه ای از گردهمایی روز جمعه نهم آذر بمناسبت یاد بود زنده یاران مختاری و پوینده

بیانیه کانون نویسندگان در نهمین سالگرد قتل پوینده و مختاری

دیدگان نخفته در گور یاران عزیز ما چشم به راه روز دادرسی است.

آزادی آی!

قوس نشاط آدمی اکنون

در این سرزمین

چندان فرو نشسته و خاموش است

کز شش هزار خاطره

انگار خاکستر می پاشند

بر چشم آب

ایران، همگامان، زنان و مردان آزاده!

در خزان نُه سال پیش، در پی قتل فجیع پروانه و داریوش فروهر، دو تن از یاران دلیر و آزاده‌ی ما، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، به جرم نوشتن، سرودن و کوشیدن در راه آزادی بیان و قلم و اندیشه به دست شبپرستان سیاه‌اندیشی به قتل رسیدند که مردم را خاموش، روشن‌فکران را زبان‌بسته و قلم‌ها را شکسته می‌خواهند.

از آن پس، حاکمیت آنچه در توان داشت به کار بست تا به لطائف‌الحیل بر ژرفای این جنایت ضد بشری و ده‌ها جنایت مشابه سرپوش بگذارد و آمران و عاملان این تبه‌کاری‌ها را از تیررس خشم مردم دور نگه دارد. ولی هنگامی که راز نهان آشکار شد و دیگر چاره‌یی جز پذیرش جنایت ندیدند، کوشیدند با علم کردن

دادگاهی در بسته، در تاریکی و خاموشی، بدون حضور خانواده‌ها و وکیلان جانباختگان، سر و ته پرونده را هم بیاورند و ناصر زرافشان، وکیل قربانیان و عضو کانون نویسندگان ایران را روانه‌ی زندان کنند.

کانون نویسندگان ایران در نهمین سالگرد جان باختن محمد مختاری و محمدجعفر پوینده اعلام می‌کند که با آرمان‌های آزادی‌خواهانه‌ی یاران از دست‌رفته‌ی خود بر سر همان پیمان است که بود، بر خواست آزادی بیان و قلم و اندیشه بی‌هیچ حصر و استثنای همگان، هم چنان استوار است و تا روشن شدن کامل محتوای پرونده‌ها و محاکمه و مجازات آمران و عاملان این جنایت‌های هولناک دمی از پا نمی‌نشیند.

دیدگان نخفته در گور یاران عزیز ما چشم به راه روز دادرسی است.

کانون نویسندگان ایران آذر ۱۳۸۶

گزارشی کوتاه از مراسم نهمین سالگرد قتل ناجوانمردانه پوینده و مختاری

دیروز جمعه نهم آذر ماه مراسم با شکوهی بمناسبت برزگداشت زنده یادان پوینده و مختاری در کرج برگزار گردید. در این مراسم که در زیر فشار و کنترل پلیسی رژیم آغاز شد نزدیک به هزار نفر شرکت داشتند و شخصیت‌های مختلفی به سخنرانی پرداختند و یاد و خاطره قربانیان قتل‌های زنجیره ای را گرامی داشتند. دکتر ناصر زرافشان، وکیل پرونده قتل‌های زنجیره‌ای که یکی از سخنرانان اصلی این مراسم بود در مورد ضرورت آگاه شدن نسل جوان در اجتماع سخن راند و از جمله بیان داشت گفت: «در دهه‌های اخیر جامعه ایران یک چهره شاخص در زمینه تفکر اجتماعی یا ادبیات و شعر نداشته است. روشنفکر و شاعر و متفکر و نویسنده با طناب دار و تهدید و آوارگی روبرو شده است. باید بررسی کرد که مسئولیت با کیست. ما اصرار داشتیم جوان‌ترها در مراسم باشند برای اینکه بدانند بر جامعه چه گذشته است». نهمین سالروز مرگ مختاری و پوینده بر مزار آنها در حالی برگزار گردید که هنوز پرونده قتل‌های زنجیره‌ای مفتوح است. دکتر ناصر زرافشان وکیل خانواده این قربانیان بیان نمود که: «پرونده درست رسیدگی نشد. آمران و عاملان اصلی مطرح نشدند. بخش قابل توجهی از اوراق آن قیل از شروع رسیدگی برداشته شد. بنده هم که اعتراض کردم، بازداشت شدم. اولیای دم از شرکت در دادگاه خودداری کردند. دادرسی به شکل سر و دم بریده‌ای اجرا شد. اصل مطلب، همچون زخم بازی در برابر جامعه قرار دارد...» مراسم در پایان با شعار زندانیان سیاسی آزاد باید گردد، کارگزارندانی آزاد باید گردد... و سرود انترناسیونال با موفقیت پایان یافت.

مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی و سوسیالیسم!



عکسی دیگر از مراسم روز جمعه نهم آذر

یاد و خاطره محمدجعفر پوینده و محمد مختاری و همه جانباختگان راه آزادی گرامی باد!

16 آذر روز نبرد متحد دانشجویان علیه استبداد و امپریالیسم گرامی باد!

بار دیگر 16 آذر روز اعتراض و پیکار متحد دانشجویان ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم فرا میرسد. 16 آذر 1332 روزی است که نیکسون جنایتکار، معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا پس از کودتای ننگین "سیا" به ایران آمده بود. این امر در شرایطی صورت می‌گرفت که عمال امپریالیسم بر سر کوی و بازار، کارخانه و مزرعه، مدرسه و دانشگاه با سلاح گرم و با چوب و چماق و چاقو خفکان می‌آفریدند و دانشجویان انقلابی و مبارز ناقوس مرگ رژیم بیدادگر کودتا و اربابانش را در دانشگاه بصدا در آوردند. در این روز سه تن از دانشجویان انقلابی و میهن پرست شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا قلب جوانشان طعمه رگبار آتشبار دشمن نابکار گشت و خون پاکشان همچون جویباری از دانشگاه سرازیر شد و با خون زحمتکشان درآمیخت تا پیوسته یاد آور همبستگی ضد استبدادی، ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی دانشجویان و عموم مردم آزادیخواه ایران باشد.

جنبش چند سال اخیر دانشجویی ایران با الهام از نسل گذشته و دستاوردهای پربار و ارجمندی که این نسل برای آنها بارث گذارده است خیزش انقلابی و خیره کننده 18 تیر 78 را آفرید که با جنبش دموکراتیک، ضد سلطنت و ضد امپریالیستی پیوند خورد. این جنبش ناقوس مرگ رژیم اسلامی را به صدا درآورد و همانند 16 آذر بازتاب درد و رنج عمومی مردم ایران بود.

امسال در شرایطی به استقبال 16 آذر میرویم که اکنون اعتراضات متنوع دانشجویان در سراسر ایران گسترش و دامنه و بیشتری یافته است. دانشجویان درسنگر علم و روشنائی در مقابل جهل و نادانی صف آرائی کرده اند. تشدید اعتراضات دانشجویان در ماههای اخیر در دفاع از همکلاسی های در بند خود و همینطور سایر زندانیان سیاسی، علیه امنیتی شدن فضای دانشگاه و جامعه، علیه انسداد سیاسی اجتماعی و فرهنگی و علیه دخالت درحوزه خصوصی دانشجویان و تلاش برای حق زندگی آزاد برای دانشجویان و همه شهروندان ایرانی و استقلال دانشگاه از حاکمیت، تحسین بر انگیز است.

اعتراضات به حق دانشجویان، بازتاب نارضایتی عمیق توده مردم در ایران است. بازتاب فقر و فساد و گرانی و بی حقوقی در جامعه است. بازتاب زندان و سرکوب و شکنجه، بازتاب زورگونی ها و خودکامه گیهای بی حد و حصری است که قلم قادر به تصویر کشیدن اینهمه جنایت و پلیدیها نیست.

حزب ما از خواست آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی، از خواست آزادی فوری فعالین کارگری از جمله کارگر مبارز محمود صالحی، منصور اسالو دبیر سندیکای اتوبوسرانی تهران، از آزادی بیان و عقیده، از حقوق اساتید اخراجی و بازگشت آنها به دانشگاه، از جدایی دین از دولت و پیوند این مطالبات با مبارزه علیه خطر تجاوز خارجی و افشای مزدورانی که در لباس چپ و سکولاریسم به فریب مردم مشغولند و به دلارهای آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل چشم دوخته اند دفاع میکند و این امر را از جمله وظایف مهم دانشجویان چپ و انقلابی ایران می داند.

جنبش دانشجویی میهن ما مانند موج آرامش پذیر نیست و این مبارزات در پیوند با کارگران و سایر زحمتکشان تا پیروزی نهایی ادامه خواهد یافت. حزب کار ایران (توفان) به دانشجویان مبارز و انقلابی درود میفرستد و از مطالبات و مبارزه ضد استبدادی و ضد امپریالیستی آنها قاطعانه دفاع میکند و بر نقش رهبری حزب پرولتری بر جنبش دانشجویی تاکید می ورزد.

زنده باد پیکار متحد دانشجویان علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
 آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی در بند و همه زندانیان سیاسی!
 علیه تحریم اقتصادی، علیه تجاوز نظامی، نابود باد امپریالیسم جهانی!
 زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

آذر هشتاد و شش

www.toufan.org

دست امپریالیستها از ایران کوتاه باد!